



# پاتریک مودیانو تا در محله گم نشوی

## ترجمه‌ی حسین سلیمانی نژاد

جہان نو۔

تقریباً هیچ. مثل نیش یک حشره که اول خیلی خفیف به نظر می‌رسد. لااقل برای روحیه گرفتن هم که شده، این را آهسته به خودت می‌گویی. حدود ساعت چهار بعد از ظهر، تلفن خانه‌ی ژان داراگان<sup>۱</sup>، توی اتاقی که اسمش را گذاشته «دفتر»، زنگ می‌خورد. او روی کانابه‌ی انتهایی، دور از آفتاب چرخت می‌زند. زنگ قطع نمی‌شود، زنگی که او مدت‌هاست دیگر عادت ندارد بشنودش. این همه اصرار برای چه؟ لابد کسی آن طرف خط یادش رفته قطع کند. بالاخره بلند می‌شود و می‌رود سمتی قسمتی از اتاق، نزدیک پنجره‌ها، که آفتاب به شدت گرمایش را تو می‌ریزد.

«می‌خوام با آقای ژان داراگان صحبت کنم.»

صدایی بی‌رمق و تهدیدآمیز. این اولین حسی است که به آدم دست می‌دهد.

«آقای داراگان؟ صدای من رو می‌شنوید؟»

داراگان می‌خواهد گوشی را بگذارد. ولی چه فایده؟ صدای زنگ دوباره بلند می‌شود و یکریز ادامه پیدا می‌کند. مگر آن که آخرش دوشاخه تلفن را از پریز بکشد...

«خودمم.»

«برای دفترچه‌ی آدرس‌تون زنگ زدهم، آقا.»

آن را ماه پیش توی قطاری که به گُت‌دازور<sup>۱</sup> می‌بردش، گم کرد. بله، جای دیگری نمی‌توانست باشد، مگر همان قطار. بدون شک، لحظه‌ای که می‌خواسته بليتش را از جييش دربياورد و به مأمور قطار نشان دهد، دفترچه‌ی آدرس از جييش افتاده.

«يه دفترچه‌ی آدرس به اسم شما پيدا کرده‌م.»

روی جلد خاکستری اش نوشته شده بود «در صورت گم شدن، از يابنده تقاضا می‌شود دفترچه را به اين نشانی بفرستد.» داراگان هم يك روز خودکارش را برداشت و اسم و آدرس و شماره تلفن را ماشين وار نوشت.

«مي آرمش منزلتون. هر روز و هر ساعتی که بخواهيد.»  
بله، قطعاً صدایي بي رمق و تهدید آميز. حتا به گمان داراگان، بالحن آدم‌های کلاش.

«ترجمح مي دم بيرون همديگه رو ببینيم.»  
سعى می‌کند بر نگرانی اش چيره شود. ولی صدایي که می‌خواهد طبیعی نشان دهد، يکهو به نظرش بي روح مي‌رسد.  
«هر طور مایلید، آقا.»

سکوت می‌شود.

«حيف شد. من نزديك خونه‌تونم. دوست داشتم اين رو برسونم به دست شخص خودتون.»

داراگان با خودش می‌گويد نکند اين مرد جلو ساختمان باشد و از همان جا او را پايده. لازم است هر چه زودتر از دستش خلاص شود. بالاخره می‌گويد  
«فردا بعداز ظهر همديگه رو ببینيم.»

«هر چي شما بگيد. پس، نزديك محل کار من. طرفای ايستگاه سن لازار<sup>۲</sup>.»

۱. Côte d'Azur: ساحلی در جنوب فرانسه.